

دوران زندان محفوظ بمانند.

شگفت‌انگیز این بود که پس از نوشته شدن شعرها بر کاغذ و رفع نگرانی و ترسی که از فراموش کردن آن‌ها همیشه با من بود، بسیاری از این شعرها رفته-رفته در ذهنم کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد تا جایی که برای به یاد آوردن‌شان، باید ساعت‌ها متمرکز می‌شدم و با یادآوری فضا و زمان سرودن شعر و بعضی نشانه‌گذاری‌های ویژه، به آن‌ها دست می‌یافتم.

در دو مقطع سال ۶۸ (به هنگام مرخصی) و سال ۷۰ زمانی که از زندان آزاد شدم، این شعرها را بر کاغذ نوشته و در جای امنی نگهداری کردم. وقتی که از ایران بیرون آمدم، بر آن شدم که این شعرها را در مجموعه‌ای مستقل منتشر کنم. اما این مهم چند سالی، به دلایلی، به تأخیر افتاد.^۱

۳

در رابطه با شعرهای این مجموعه، اشاره به چند نکته ضروری است:
- بعضی از شعرهای این مجموعه شاید با بازخوانی و بازسازی از سوی سراینده‌اش و با افزودن و کاستن، با جانشین کردن بعضی واژه‌ها و مصرع‌ها و یا جابه‌جایی بندها، از استحکام و کیفیتی دیگر برخوردار می‌شدند. درج این دسته از شعرها در این مجموعه، تنها به خاطر وجود بعضی قطعه‌ها، بندها، تشبیه‌ها و یا توصیف‌های درخشان و مهم در آن‌ها بوده است. به حتم برای شاعرانی با تجربه‌ای دیرینه و دارای نظر درکار

۱. پیش از انتشار این مجموعه، بخشی از این شعرها، برای آشنا کردن خوانندگان با فضا و شرایط حاکم بر زندان‌ها و نیز انتقال هرچه زنده‌تر و ملموس‌تر تجربه‌های تلخ و جان‌کاه، اما غرورآفرین آن روزها، به مناسبت موضوع، در کتاب «نه زیستن، نه مرگ»، خاطرات زندان ایرج مصداقی، آورده شده است.